

## زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۸، شماره ۱، پیاپی ۱۲ (بهار و تابستان ۱۴۰۲) شماره صفحات: ۱۰۳ - ۱۱۶

### تصحیح عباراتی از دینکرد نهم بر اساس زند یسن‌ها

شعله حصارپولادی<sup>۱\*</sup>، سیداحمدرضا قائم‌مقامی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه تهران، تهران، ایران.  
۲. استادیار فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

#### چکیده

در این مقاله ابتدا به محتوای نسک‌های گاهانی موجود در دینکرد نهم و ارتباط آن‌ها با زند موجود یسن‌ها و نحوه مواجهه هر یک از این نسک‌ها با زند یسن‌ها اشاراتی شده است. نقل قول‌های گاهانی از زند یسن‌ها در خلاصه نسک‌ها، در مواردی ترجمه پهلوی یسن‌ها و گاهی تفسیر آن‌ها هستند، یعنی شرحی که بر ترجمه پهلوی نوشته شده است. این نقل قول‌ها گاهی عین عبارات زند هستند و گاهی با آن‌ها تفاوت دارند. آمدن این نقل قول‌ها ممکن است نشانه آن باشد که یسن‌های پهلوی پیش از تدوین نهایی نسک‌ها، که خلاصه آن‌ها در دینکرد آمده، موجود بوده‌اند. بخش اصلی این مقاله تصحیح و تجدید نظر در خوانش برخی از لغات و عبارات موجود در ورشتمانسرنسک از دینکرد نهم، ترجمه احمد تفضلی، با استفاده از زند موجود یسن‌ها است. تفضلی خود نیز در پیشگفتار به این مطلب اشاره می‌کند که در ورشتمانسرنسک عباراتی از گاهان به پهلوی ترجمه شده‌اند. با بررسی چند عبارت در این مقاله، مشخص می‌شود که زند یسن‌ها ابزاری مهم در مطالعه متون پهلوی و خصوصاً متون پهلوی برگرفته از زند یسن‌ها است و کمک‌گرفتن از آن فهم این متون و مطالبی را آسان می‌کند که سعی در انتقال آن داشته‌اند. در هر مورد ابتدا متن اوستایی و سپس متن نسک از دینکرد نهم که دربردارنده خوانش تفضلی است ارائه، بعد از آن متن زند، که تصحیح به واسطه آن است، نقل و در پایان متن و ترجمه اصلاح‌شده عرضه می‌شود.

#### واژه‌های کلیدی:

اوستا  
ترجمه اوستا (زند)  
دینکرد نهم  
گاهان  
متون پهلوی

#### تاریخچه مقاله:

دریافت: ۷ خردادماه ۱۴۰۲

پذیرش: ۲ مردادماه ۱۴۰۲

\* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: hesarpouladi.sho@ut.ac.ir

## ۱. مقدمه

کتاب نهم دینکرد در شمار متون تألیف‌شده بر اساس زند اوستا است و شامل خلاصه‌ای از سه نسک گاهانی سودگرنسک، ورشتمانسرنسک و بغ‌نسک و مشتمل بر تفاسیری بر یسن‌های گاهانی و سه ذکر معروف زردشتی است. سودگرنسک به لحاظ محتوا و ذکر عبارات زند موجود یسن‌ها کم‌ترین ارتباط را با زند دارد. آنچه در سودگرنسک است بن‌مایه‌ای اسطوره‌ای و حماسی دارد، روایت‌هایی که مضامین یشت‌ها را به یاد می‌آورد و قرینه‌ای است که مؤلفان دینکرد در زمان تألیف آن به ترجمه پهلوی یشت‌ها دسترسی داشته‌اند. تفضلی (۱۳۹۷: ۲۳۷) ترجمه بخشی از مهریشت را در فرگرد (فصل) یازدهم سودگرنسک یافته است. از طرف دیگر، مطالب بعضی از فرگردهای سودگرنسک با مضامین و آموزش‌های فقهی و دینی وندیداد مشابهت دارد، مانند آنچه در فرگرد هجدهم آمده است: «این نیز (گفته شده) که هنگامی که به فضای حاجت‌نشینی، باید/هونور بخوانی و سپس هنگامی که برخواستی/شم وهو بخوانی تا دیو و دروچ تو را به کم‌ترین حد آزار رسانند.» (تفضلی، ۱۳۹۷: ۹۴).<sup>۱</sup>

در ورشتمانسرنسک تقریباً در همه فرگردها ارتباط محتوایی با زند موجود یسن‌ها آشکار است؛ اغلب عبارات و جملات و در مواردی لغاتی از زند یسن‌ها در هر فرگرد آمده است. در بغ‌نسک نیز این ارتباط مشهود است. تفاوت بغ‌نسک و ورشتمانسرنسک در نحوه مواجهه با عبارات و جملات نقل‌شده از زند یسن‌ها است. در ورشتمانسرنسک این نقل قول‌ها، که گاهی عین عبارت زند فعلی هستند و گاهی با آن اختلافاتی دارند، در آغاز هر روایت یا در مابین آن آمده‌اند. در واقع از آن عبارت یا جمله یا لغت برای تکمیل روایت یا مطلبی استفاده شده است. اما در بغ‌نسک وقتی عبارتی از زند یسن‌ها آمده، در ادامه به تفسیر و توضیح آن پرداخته شده است و جنبه آموزشی و روشن کردن مطلب را دارد. *ēd rāy čē* عبارتی که مکرر در بغ‌نسک آمده است، تأییدکننده این خصوصیت است. برای مثال در ورشتمانسرنسک آمده است:

*ēn-iz ō gōšūrwan guft ku gōwēm ō tō wišōbišn wizārišnīh. ku anāgīh az ganāg mēnōg čārag ast. kē-m<sup>2</sup> nē dām frāz brēhēnīd hē man kē ohrmazd hēm ka-m anāgīh az ōy čārag nē dānistē* (Madan, 1911: 827).

این را نیز به گوشورون گفت که به تو می‌گویم آشوب را جدایی است، یعنی بدی گنمینو را چاره است، که دام را فراز نمی‌آفریدم من که هرمزدم اگر بدی ناشی از او را چاره نمی‌دانستم.

<sup>۱</sup> لغتی که تفضلی آن را «آزار رسانند» معنی و به شکل «*kōšād*» آوانویسی کرده است، در خط *𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀* است و می‌توان آن را *nasēnād* خواند. در ترجمه مشتقات ریشه *nas* اوستایی در متون زند، مشتقات *nasēnīdan* به کار رفته است، مانند *nasiiantō* در یسن ۴/۳۲ که به *nasēnēnd* ترجمه شده است:

*mazdā ahurahiia xratōuš nasiiantō ašātačā*

(مردمی که شیفته دیوان می‌شوند) از خرد مزدا اهوره و اشه دور می‌شوند.

*ān ī ohrmazd xrad nasēnēnd ud ahlāyīh-iz [ku tabāh bē kunēnd]* (Dhabhar, 1949: 149).

خرد هرمزد را نابود می‌کنند و اهلاهی را نیز [یعنی تباه می‌کنند].

<sup>۲</sup> در اینجا با توجه به معنا شاید بهتر باشد *kē* به *ku* تصحیح شود.

در این نمونه بخشی از ترجمه زند یسن بیست و نه، فقره ششم و عبارت تفسیری<sup>۱</sup> آن آمده است:

ēdōn-iš pad dahān guft ohrmazd āgāhīhā **wišōbišn wizārišn** [ku-š dānišnīg guft **ku anāgīh az ganāg mēnōg čārag ast**] (Dhabhar, 1949: 131).

ایدون هرمزد آگاهانه، به دهان «خویش» گفت «ز» آشوب جدایی است [یعنی با علم گفت که بدی گنامینو را چاره است].

در بغ‌نسک آمده است:

ēn-iz ku-š **xrad ī wahman rawāgēnēd kē saxwan pad wahman gōwēd, ēd rāy čē xrad wahmanīg uš rawāgīh pad saxwan abērtar** (Madan, 1911: 879).

این را نیز «گفته‌اند» که خرد بهمن را روایی می‌بخشد کسی که به واسطه بهمن سخن می‌گوید، زیرا خرد بهمنی و روایی آن با سخن بیش‌تر است (= معمول‌تر است؛ میسرتر است).

در این نمونه یک عبارت از زند یسن ۱/۲۸ با اندکی اختلاف در بغ‌نسک آمده است. بین متن بغ‌نسک، که این عبارت از زند در آن آمده، و متن زند ارتباطی معنایی وجود ندارد:

pad ān ī **wahman xrad** [pad āsn xrad] šnāyēnišn ī gōšurwan [ku pahrēz ī gōspandān pad dānāgīh kunišn] (Dhabhar, 1949: 124).

گوشورون را باید با خرد بهمن [با آسن‌خرد] خشنود کرد [یعنی با دانایی باید از چهارپایان مراقبت کرد].

باید گفت در کنار زند گاهان، که ترجمه و تفسیر اوستای گاهانی است، سه تفسیر از یسن‌های گاهانی با ماهیت‌های متفاوت نیز در دینکرد نهم موجود هستند.

آوردن نقل قول‌هایی از یسن‌های پهلوی در ورشتمانسرنسک و بغ‌نسک ممکن است نشانه آن باشد که یسن‌های پهلوی پیش از تدوین نهایی نسک‌ها، که خلاصه آن‌ها در دینکرد آمده، موجود بوده است. همان‌طور که گفته شد، برخی از نقل قول‌ها عیناً تکرار شده‌اند و برخی دیگر با تفاوت‌هایی نقل شده‌اند؛ مثلاً:

**Av:** tācā xšaθrā mazdā dāmiš ahurō (45/7).

**Phl:** ēdōn-iz ohrmazd **dāmān ī xwadāy** (Dhabhar, 1949: 197).

**Warštmanšar:** ... ku ohrmazd **dāmān xwadāy** (Madan, 1911: 855)

در ورشتمانسرنسک کسره اضافه‌ای که در یسن‌های پهلوی آمده نیامده است.

**Av:** auuā drūjō auuō bauuaitī skəndō spaiiaθrahiā (30/10)

**Phl:** ōy ī druz ... pad frōd-bawišnīh... **škīhēd spāh** (Dhabhar, 1949: 138)

**Warštmanšar:** ... ī ān ī druz **škēnēnd spāh** (Madan, 1911: 830)

در نقل قول دینکرد نهم به جای ōy، ān آمده و فعل سببی **škēnēnd** بجای فعل مجهول **škīhēd** آمده است. آنچه می‌توان درباره وجود این نقل قول‌ها تصور کرد این است که آذرفرنبغ، مؤلف دینکرد، متن کامل نسک‌ها را در اختیار داشته و خلاصه خود را بر اساس آن تألیف کرده است. منطقی است که این نسک‌های

<sup>۱</sup> منظور از عبارت تفسیری، تفسیر یا شرح در اینجا آن چیزی است که طبق قرارداد در متن پهلوی زند یسن‌ها در [] آمده و گاهی توضیحی بر ترجمه پهلوی است و گاهی نیز تکمیل‌کننده آن است. آنچه در متن دینکرد نهم در [] آمده افزوده کاتب یا مؤلف دینکرد است.

گاهانی حاوی نقل قول‌هایی به پهلوی از گاهان باشند. اگر این نقل قول‌ها از یسن‌های پهلوی گرفته شده باشند، پس باید چنین فرض کرد که اختلافات موجود در خلاصه‌نسخ‌های گاهانی در دینکرد نتیجه تغییراتی است که در مسیر انتقال از یسن‌های پهلوی به نسک‌ها و خلاصه‌آن‌ها رخ داده است، یعنی نویسندگان نسک‌ها عبارات و جمله‌بندی‌ها را مطابق با مقاصد و اغراض خود تغییر داده‌اند. یا آذرفرنبغ برای تطبیق دادن این نقل قول‌ها با خلاصه خود دست به تغییراتی زده است. این نظر که یسن‌ها از نسک‌ها گرفته نشده، بلکه از یک سنت آیینی مستقل آمده است (کلنز<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸: ۴۸۷)، دو احتمال را درباره این نقل قول‌ها پیش رو می‌آورد: یا همان‌طور که گفته شد، نسک‌ها از یسن‌های پهلوی وام گرفته است که در این صورت باید فرض کنیم آذرفرنبغ با یسن‌های پهلوی آشنایی داشته و گاهی متن نسک را با قراردادن نقل قولی از یسن‌های پهلوی تصحیح کرده است، یا نسک‌ها از سنت دیگری گرفته شده‌اند. اگر احتمال دوم را بپذیریم، باید اختلافات را مربوط به خود نسک‌ها بدانیم و جایی که دو متن عبارات یکسانی دارند، آن را به فهم یکسان نویسندگان از متن اصلی نسبت بدهیم (مالاندرا<sup>۲</sup> و ایچاپوریا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳: ۲۲-۱۸).

بنا بر آنچه درباره ارتباط زند گاهان و خلاصه‌نسخ‌های گاهانی در دینکرد نهم گفته شد، زند گاهان می‌تواند در موضعی به تصحیح برخی عبارات و جملات و لغات که در دینکرد نهم از آن نقل شده است کمک کند. رساله دکترای احمد تفضلی (۱۳۹۷)<sup>۴</sup> ترجمه و تصحیح سودگرنسک و ورشتمانسنسک است. وی در پیشگفتار به این مطلب اشاره کرده است که «در حقیقت ورشتمانسنسک تفسیری است بر گاهان همراه با عبارتهایی از گاهان که به پهلوی ترجمه شده است». تفضلی (۱۳۹۷) در قسمت‌های مختلف رساله به «فرهنگ یسن»<sup>۵</sup> ارجاع داده است. اما مواردی وجود دارند که همچنان می‌توان با رجوع به زند موجود یسن‌های گاهانی در خواندن‌شان تجدید نظر کرد و مقصود از نوشتن این مقاله پرداختن به این موارد و تصحیح آن‌ها است. پرداختن به نقش زند در مطالعه سایر متون پهلوی خاصه آن دسته از متون که بر اساس زند تألیف شده‌اند، هدف دیگر این پژوهش است. این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که تکیه بر زند در پژوهش‌های لغوی در متون پهلوی تا چه اندازه مفید و نتیجه‌بخش است. روش و ابزار تحقیق در این مقاله استفاده از متون دسته اول و رجوع به آن‌ها و بررسی مقایسه‌ای و تحلیل بر اساس آن‌ها است.

<sup>۱</sup> J. Kellens

<sup>۲</sup> W. Malandra

<sup>۳</sup> P. Ichaporia

<sup>۴</sup> این رساله در سال تحصیلی ۱۳۴۵-۱۳۴۴ دفاع شده و در سال ۱۳۹۷، چندین سال پس از درگذشت مؤلف، به چاپ رسیده است.  
<sup>۵</sup> تفضلی در موارد متعدد در زیرنویس به این منبع ارجاع داده است، اما مشخصات آن در بخش کتاب‌شناسی چاپ فعلی ذکر نشده است.

## ۲. پیشینه پژوهش

در سال ۱۹۴۹ دابار<sup>۱</sup> متن کامل زند یسن و ویسپرد را همراه با واژه‌نامه منتشر کرد. مالاندرا و ایچاپوریا در سال ۲۰۱۰ زند یسن‌ها را آوانویسی و همراه با واژه‌نامه منتشر کرده و در سال ۲۰۱۳ با تجدید نظر آن را دوباره منتشر کرده‌اند. این اثر از جهت پرداختن به بخش‌های مختلف زند و ارتباط زند با دینکرد و تصحیح در خوانش برخی لغات زند و آوردن ترجمه‌ای انگلیسی از زند یسن ۲۸ اهمیت دارد. کانتر<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۴ به بررسی تاریخچه و ویژگی‌های زند یا همان ترجمه‌های پهلوی اوستا پرداخت که می‌توان گفت مفصل‌ترین و جامع‌ترین اثر تاکنون در این حوزه است. از دینکرد دو نسخهٔ متنی کامل وجود دارد. دستور بهرامجی سنجانا<sup>۳</sup> دینکرد را در هجده جلد بین سال‌های ۱۸۷۴ تا ۱۹۲۸ منتشر کرد. هشت جلد اول آن بین سال‌های ۱۸۷۴ تا ۱۸۹۷ و باقی جلد‌های آن بعد از مرگ او توسط پسرش منتشر شده‌اند. مدن<sup>۴</sup> متن کامل دینکرد پهلوی را در دو بخش (بخش اول شامل دینکرد سوم تا پنجم و بخش دوم شامل دینکرد ششم تا نهم) در سال ۱۹۱۱ منتشر کرد. چند ترجمه نیز از دینکرد منتشر شده‌اند. وست<sup>۵</sup> در سال ۱۸۹۲ دینکردهای هشتم و نهم را ترجمه کرده است. موله<sup>۶</sup> ترجمه‌های بخش‌هایی از دینکرد نهم را در کتاب *آیین، اسطوره و کیهان‌شناسی در ایران باستان* آورده است. این اثر رسالهٔ دکتری موله بوده است و از نظر پرداختن به مفاهیم و مضامین الهیاتی دین زرتشتی و تکیه بر متون در طرح مباحث بسیار حائز اهمیت است. تفضلی در سال ۱۳۴۵ سودگر نسک و ورشتمانسنسک از دینکرد نهم را به فارسی ترجمه کرده است. زنر<sup>۷</sup> در معمای زردشتی در سال ۱۹۵۵ بخش‌هایی از دینکرد نهم را آورده است. وواینا<sup>۸</sup> در سال ۲۰۰۷ بخشی از رسالهٔ دکتری خود را به ترجمهٔ سوتگر نسک، اولین نسک از سه نسک موجود در دینکرد نهم، اختصاص داده است. در این آثار کم‌تر به تصحیح متون پهلوی (در اینجا خاصه متن دینکرد نهم) از طریق مقایسه با زند یسن‌ها پرداخته شده است.

## ۳. تصحیح عباراتی از دینکرد نهم

در هر مورد، ابتدا متن اوستایی (Av) ارائه می‌شود و سپس عبارت پهلوی از ورشتمانسنسک<sup>۹</sup> با آوانویسی و ترجمهٔ تفضلی نقل می‌شود. سپس ترجمهٔ پهلوی (Phl) از زند موجود ذکر و در پایان متن پهلوی تصحیح‌شدهٔ ورشتمانسنسک و ترجمهٔ اصلاح‌شدهٔ آن ارائه می‌شود.

<sup>1</sup> B. N. Dhabhar

<sup>2</sup> A. Cantera

<sup>3</sup> Dastur Behramjee Sanjana

<sup>4</sup> D. M. Madan

<sup>5</sup> West

<sup>6</sup> M. Molé

<sup>7</sup> R. C. Zaehner

<sup>8</sup> Y. S. Vevaina

<sup>9</sup> Warštmānsar

### 1. Av: vohū gaidī manaḡhā dāidī ašā dā darəḡāiū (28/6)

بیا با بهمن، بده با اشه موهبت دیرپا را...

**Varštmānsar:** nigērišnih az ahlāyih būdan pad ān ī rāst-saxwan amahraspand (Madan, 1911: 824).

باید به اهراپی توجه کرد به وسیله (کمک) امشاسپندان راستگو (تفضلی، ۱۳۹۷: ۱۴۷).

**Phl:** rasišn ī wahman [ō tan ī kasān] dahē-m ašwahišt dāšn ī **dagr-gyānih** [ku-m ān tis ma dahād ī pad tan ī pasēn abāz abāyēnd kušt] (Dhabhar, 1949: 126).

رسیدن بهمن [به تن مردمان] را، ای اردیبهشت، به من عطا کن، پاداش زندگی طولانی را [یعنی به من آن چیزی را عطا نکنید که در تن پسین باید باز نابود کنند].

صورت پهلوی آن چه که تفضلی nigērišnih<sup>۱</sup> و آنویسی کرد<sup>۱</sup> کوشش می‌کند معنایی از آن دریابد، ولی در واقع آن معنی دور از مقصود مؤلف دینکرد می‌باشد، **اوردک** است که با توجه به متن زند یا باید الفک اول آن را زاید دانست و **dagr-gyānih** خواند یا باید **ud dagr-gyānih** خواند و این‌طور ترجمه کرد:

**ud dagr-gyānih** az ahlāyih būdan pad ān ī rāst-saxwan amahraspand

و بودن زندگی طولانی از اهلاپی است، به واسطه امشاسپند راست‌سخن.

### 2. Av: anāiš vā nōit ahurā mazdā ašəmcā yānāiš zaranaēmā (28/9)

مباد که ما شما را خشمگین کنیم، ای اهوره مزدا، نه اشه را با این دعاها.

**Varštmānsar:** abar stāyišn ī zardušt ēn-iz ku nē amā **abērāh** nē pad yān nē pad frašn ... amā kē amahraspandān hēm (Madan, 1911: 825).

بر ستایش زردشت این نیز آمده است: ما تو را، ای سپیتمان زردشت، همراه نکنیم، نه از جهت آرزو و نه از جهت درخواست و نه از جهت تقاضا... ما که امشاسپندانیم (تفضلی، ۱۳۹۷: ۱۵۰).

**Phl:** anāyišnih rāy ō ašmā ohrmazd [ēn] **nē** [kunēm ku bē ō ašmā nē āyēm] ašwahišt-iz pad yān **nē āzārēm** (Dhabhar, 1949: 127).

برای نزدیک نشدن به شما [این] را، ای هرمزد، نمی‌کنم، یعنی به‌سوی شما نمی‌آیم] و اردیبهشت را نیز با دعا (= درخواست) نمی‌آزارم.

در این مورد، در زند یسن‌ها زردشت به صیغه اول شخص اشه و هرمزد (و نیز بهمن) را خطاب قرار داده است. در ورشتمانسرنسک این امشاسپندان هستند که از زردشت سخن می‌گویند و فعل اول شخص مفرد در زند یسن‌ها (**āzārēm**) به فعل امر دوم شخص مفرد (**āzārē**) تبدیل شده است.

صورت پهلوی آن چه که تفضلی **abērāh** می‌خواند **اوردک** است. صورت پهلوی این لغت در نسخه k متن دینکرد که تفضلی (۱۳۹۷: ۱۴۸) در پاورقی آورده است، به خوانش **āzārē** نزدیک‌تر است: **اوردک** توجه به متن زند، خوانش و قرائت تفضلی نیازمند تصحیح است:

abar stāyišn ī zardušt ēn-iz ku nē amā **āzārē** nē pad yān nē pad frašn ... amā kē amahraspandān hēm.

درباره ستایش زردشت این نیز <در اوستا آمده> که ما را نیازار نه با درخواست نه با پرسش ... ما را که امشاسپندانیم.

<sup>۱</sup> موله (۱۹۶۳: ۱۴۱) نیز این لغت پهلوی را **nikirišnih** می‌خواند.

و این هم به اصل اوستایی نزدیکتر است، هم به زند آن.

**3. Av:** at vō xšmaibiā asūnā vaēdā xvaraiθiā vaiñtiā srauuā (28/10)

من برای شما، ای اغنیا (= هرمزد و امشاسپندان)، سرودهای پر از محبتی می‌شناسم که گردونه‌ران<sup>۱</sup> خوبی آنها را رانده باشد.

**Waršrmānsar:** ud sūd-dahišnīh ī ō xwāstārān xwarišn ud watarag ō amā kē pad yazišn yazadān asūdag bawēd (Madan, 1911: 825).

تفضلی (۱۳۹۷: ۱۵۰) این بخش را ترجمه نکرده است.

**Phl:** ka ēdōn pad ān ī ašmā asūdag windēnēd xwarišn ud watarag pad ān srāyišn [ka pad yazišn ī ašmā sūdag nē bawēd ā-š xwarišn ud watarag windēnēd] (Dhabhar, 1949: 128).

باری اگر نسبت به کار شما کوشا باشد، خوراک و جامه بیاید به واسطه آن سرایش اگر نسبت به پرستش شما کاهل نباشد، خوراک و جامه بیاید.

با توجه به متن زند می‌توان عبارت دینکرد را چنین ترجمه کرد:

و سود دادن به خواهندگان دادن خوراک و جامه به ماست، یعنی کسی که در پرستش ایزدان کوشاست یا و سود دادن به خواهندگان، دادن خوراک و جامه به ما، که در پرستش ایزدان کاهل نیستیم (= کوشاییم).

**4. Av:** hātəm huuō aojištō yahmāi zauuōng jimā kərədušā<sup>۲</sup> (29/3).

او نیرومندترین موجودات است، (او) که به سویش خواهیم آمد، با (روان)، (روانی) که بانگ‌هایی برآورده.

**warštmānsar:** ... **astān** (dastān) ōzōmandtar ōy kē ō yazadān paywāzēd uš yazadān paywāzēnd (Madan, 1911: 827).

... (یعنی این که از جهت دست قوی‌تر از همه بود-) او که با ایزدان گفتگو کند، او که ایزدان با او گفتگو کنند (تفضلی، ۱۳۹۷: ۱۵۹).

**Phl:** az **astān** (astān) ān ōzōmandtar [ku ōz ī ān ī ōy pad-kārtar] kē ō ān pad xwānišn rasēd ō kardārīh<sup>۳</sup> [ku ka-š xwānēnd ku kār ud kirbag kun kunēd] (Dhabhar, 1949: 130).

از بین موجودات، آن نیرومندتر است [یعنی نیروی کسی کارآمدتر است] که چون «او را» بخوانند، برای کار نیک به نزد او برسد [یعنی اگر او را بخوانند که کار و کرفه کن، بکند].

با توجه به متن زند باید **dastān** در آنوویسی تفضلی را به **astān** تصحیح کرد:

... **astān** ōzōmandtar ōy kē ō yazadān paywāzēd uš yazadān paywāzēnd

<sup>۱</sup> مقصود از «گردونه‌ران» زبان گوینده است که سرودها را به نزد ایزد به جهان دیگر منتقل می‌کند.

<sup>۲</sup> هومباخ (Humbach, 1991, II: 34-35) **kərədušā** را بایی مفرد مذکر از صفت فاعلی نقلی گذرا- **kərəduuh** به معنای «فرستنده» از ریشه **kard** یا **krd** دانسته که شاهد دیگری از آن به دست نیست. این لغت از نظر وی همچنین ممکن است فاعلی مفرد از **kərədu-šan-** «به‌دست آورنده چیزهای ناکافی» در مقایسه با **krdhū-** ویدی به معنای «کم، ناقص» باشد. شوارتس (Schwartz, 2003: 207) **kərədušā** را به معنای «حمایت» آورده و از گرشویچ نقل کرده که این لغت نیای **kurč** در ترکیب سغدی **kurč-wāḏē** به معنای «محل امن» است. شوارتس (۲۰۰۳) پیشنهاد داده که این لغت به عنوان وام‌واژه در «گرچ» فارسی باقی مانده است.

<sup>۳</sup> **kardārīh** در پهلوی جز معنای «کار»، «فعل»، معنای «نیکوکاری» نیز دارد. **kardār** نیز که صفت فاعلی آن است، هم معنای «فاعل» دارد هم معنای «نیکوکار» (فانم‌مقامی، ۱۳۹۲: ۲۰۶).





این نیز گفته شده که کسانی که بدی را نیرو می‌بخشند و رنج ایجاد می‌کنند (- یعنی که درد و رنج را در جهان رواج می‌دهند -)... (تفضلی، ۱۳۹۷: ۲۷۴).

**Phl: duših-wurrōyēnīdār hēnd ud wēšīšn-ārāstār** [ku dard ud wēšīšn rawāg kunēnd] kē ōy tō [dastwar] nirfsēnēnd u-š rēšēnēnd (Dhabhar, 1949: 234).

به بدی گرونده هستند و مهیاکننده اندوه [یعنی درد و اندوه را روا می‌کنند]، او را که [دستور] تو است می‌کاهند و او را می‌آزارند.

تفضلی (۱۳۹۷: ۲۷۳) گفته که شاید **𐭠𐭥𐭥𐭥** تصحیف **duših** باشد، اما **wurrōyēnīdār** را به **nērōgēnīdār** آوانویسی و به «نیرو می‌بخشند» ترجمه کرده است. **wurrōyēnīdār** در زند به املاي هزوارش آمده، اما در متن دینکرد به املاي روشن غیر هزوارشی آمده و معلوم می‌کند که **nērōgēnīdār** نادرست است و باید به **wurrōyēnīdār** تصحیح شود. در این صورت ترجمه درست چنین خواهد بود:

**ēn-iz gōwēd ku 𐭠𐭥𐭥𐭥 (duših) 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 (wurrōyēnīdār) ud 𐭠𐭥𐭥𐭥 (wēšīšn) ārāstār ku dard bēšīšn andar gēhān rawāg kunēnd...**

این را نیز می‌گوید که به بدی گرونده و مهیاکننده اندوه «هستند»، یعنی درد و اندوه را در جهان می‌گسترند.

#### 7. Av: yōngstū mazdā hadāmōi' minaš ahurā (46/14)

(آنهایی) که تو پرورش می‌دهی در منزلگاه (خودت) ای اهوره دانا

**Warštmānsar: ...ka stāyēd dēn 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥 (hamzamānān) wardēd kušān bē ō dēn ānayēd** (Madan, 1911: 859).

...که دین تو را ستود و همزمانان را نیز به دین آورد (تفضلی، ۱۳۹۷: ۲۳۹).

**Phl: ēdōn ōy kay-wištāsp ī kāriḡ ī ka stāyēd ohrmazd hamdamūnān-iz (𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥) wardēnēd** [ku hamdūdagān-iz bē ō dēn ānayēd] (Dhabhar, 1949: 204).

چنین آن کی گشتاسپ جنگجو که آن زمان که هرمزد را می‌ستاید هم‌منزلان را نیز می‌گرداند [یعنی هم‌دودگان را نیز به دین هدایت می‌کند].

لغتی را که به خط پهلوی در عبارت دینکرد نهم آمده تفضلی به **hamzamānān** آوانویسی و ترجمه کرده است که با توجه به متن زند باید در خط تصحیح شود و در ترجمه آن تجدید نظر گردد.

**...ka stāyēd dēn 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥\* (hamdamūnān) wardēd ku-šān bē ō dēn ānayēd.**

ترجمه درست چنین است:

آن زمان که دین را می‌ستاید، هم‌منزلان را نیز سوق می‌دهد، یعنی آن‌ها را به دین هدایت می‌کند.

<sup>۲</sup> **hadāmōi** اسم است از **hadōma-** به معنای «قامتگاه، منزل، مسکن» در برابر **sadmān** ویدی به معنای «مسکن، مقام، مکان» (Humbach, 1991, I: 154). در یسن ۹/۴۴ نیز **hadāmōi** آمده و در زند به **hamdamūnīh** ترجمه و به **hambrādagīh** به معنای «همراهی، دوستی» تفسیر شده است. در این فقره از یسن ۴۶ به **hamdamūnān** ترجمه و به **hamdūdagān** تفسیر شده است. در ترجمه **hudāmōm** در یسن ۸/۲۹ نیز **hamdamūnīh** آمده است. بارتولومه (Bartholomae, 1904: 1826) ترجمه پهلوی **hudāmōm** را **hu dmnn** آورده و جزء دوم را با **nōmāna-** مرتبط دانسته است.

در متن زند فعل *wardēnēd* آمده که صورت سببی است، ولی در متن دینکرد نهم صورت غیر واداری آن *wardēd* را آورده‌اند. با توجه به مضمون عبارت، صورت واداری صحیح‌تر می‌نماید. دابار (۱۹۴۹: ۲۰۴) در زیرنویس به صورت پهلوی متفاوتی که از *hamdamūnān* در دینکرد نهم آمده اشاره کرده است.

**8. Av:** mā kamnašūuā hīiaṭcā kamnānā ahmī (46/2)

(این به سبب کم بودن دام‌های من است، و به سبب اینکه من مردان کمی دارم.)

**Waršt mānsar:** ēn-iz ku **𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮** (*tang mēnōgīh*) ud kam-xwāstagīh az kam-rawišnīh xwadrāmānīdārān (Madan, 1911: 856).

و این نیز گفته شده که سختی مینوی و کم‌نیروی به علت فعالیت کم و طلب لذت برای خود است (تفضلی، ۱۳۹۷: ۲۳۳).

**Phl:** man ka kam-ramag [ku-m xwāstag kam] ud ka-iz kam-mard hēm [*ku-m gund abzār kam ā-z dānēm ku cē rāy*] (Dhabhar, 1949: 199).

من اگر کم‌مردم [یعنی داراییم کم است] و اگر کم‌مردم [یعنی سپاه و نیرویم کم است، می‌دانم که چرا].

تفضلی (۱۳۹۷: ۲۳۲) آن‌چه را به خط پهلوی آمده با علامت سؤال *tang mēnōgīh* می‌خواند و در زیرنویس به نظر وست اشاره می‌کند، آن را به *tang* تصحیح و به صورت *contracted* معنی می‌کند. او (۱۳۹۷) همچنین می‌گوید که سنجانا نیز همین تصحیح را پذیرفته و آن را به *strained* معنی کرده است. با توجه به متن زند، ظاهراً، بلکه قطعاً، آن‌چه در متن دینکرد آمده خطای کتابت است و باید آن را *ku-t kam-gundīh* خواند و چنین ترجمه کرد:

ēn-iz ku **𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮** \*(-t kam-gundīh) ud kam-xwāstagīh az kam-rawišnīh ...<sup>۱</sup>

این نیز که کم بودن سپاهت و کم بودن دارایی از کمی...

**9. Av:** uzərədiāi parā hīiaṭ mōi ā jimaṭ səraoṣō ašī *mazā.raiiā* hacimnō (43/12)

تا برخیزم پیش از آن‌که به سوی من آید سروش همراه با اشی ثروت‌بخش.

**Waršt mānsar:** ēn-iz ku āgāh būd hēm ku rawāg nē bawēd pēš az ān tā ka ō man rasēd srōš-ahlā ī wištāsp kē-š abāg ān ī *meh rād* zardušt (Madan, 1911: 851).

و این نیز گفته شده که من (= هرمزد) آگاه بودم که تا سروش اهر (بعضی گفته‌اند گشتاسب) به همراهی زردشت راد بزرگ پیش من نیاید، دین رواج پیدا نمی‌کند (تفضلی، ۱۳۹۷: ۲۱۹).

**Phl:** ul-uziśnīh pēš az ān tā ka ō man ān rasēd srōš-ahlī [*wištāsp*] kē-š ān *meh rād* abāg [zardušt] (Dhabhar, 1949: 183).

برخاستن پیش از آن‌که به من (= هرمزد) برسد سروش-اهلا (= سروش-اهلی) [گشتاسب] که آن راد بزرگ [زردشت] همراه اوست.

*mazā.raiiā* علاوه بر یسن ۱۲/۴۳، در یسن ۶/۲۷ و در ویسپرد ۱/۱۲ نیز آمده است. در زند یسن ۱۲/۴۳ به جای *rad* در نسخه M لغت *rād* آمده است و دینکرد نهم نیز همین *rād* را آورده است. تفضلی (۱۳۹۷):

۲۳ **𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮**؟ این کلمه آخر ظاهراً چیزی نیست جز *tar-menīdārān* و آنچه تفضلی خوانده ظاهراً نادرست است. با این حال معنای عبارت روشن نیست. شاید آخر عبارت را باید *ud tarmenīdārān* خواند.

۲۱۹) خوانش rād را، که در خط پهلوی آمده، برگزیده است. با توجه به این که در یسن ۶/۲۷ و در ویسپرد ۱/۱۲ meh rad آمده، بدون هیچ نسخه بدلی که بجای rād, rad داشته باشد، و با توجه به آن که سخن از «رادی» زردشت نیست، بهتر است در دینکرد نهم نیز rād را به rad تصحیح و چنین ترجمه کرد:

ēn-iz ku āgāh būd hēm ku rawāg nē bawēd pēš az ān tā ka ō man rasēd srōš-ahlā ī wištāsp  
kē-š abāg ān ī meh \*rad zardušt.

این نیز که آگاه بودم که رواج نیابد «دین» پیش از آن که به من برسد سروش-اهلا که گشتاسب است، که همراه اوست رد بزرگ، زردشت.

**10. Av:** gərəzōi tōi ā īt auuaēnā ahurā (46/2)

به تو شکوه می‌کنم، به اینجا نگاه کن، ای اهوره.

**Warštmanšar:** ... ud wēnēm tō ān ī garzišn gōwišn ī u-t سسوا (āmār) xwāhēm (Madan, 1911: 856).

ولی من گفتار شکایت‌آمیز تو را می‌دانم و به حساب تو رسیدگی می‌کنم (تفضلی، ۱۳۹۷: ۲۳۳).

**Phl:** garzēm ō tō ān ēn wēn ohrmazd [ku-m čārag xwāh] (Dhabhar, 1949: 199).

آن را به تو شکایت می‌برم، این را ببین ای هرمزد [یعنی چاره من بخواه].

تفضلی (۱۳۹۷: ۲۳۲) لغتی را که به خط پهلوی آمده āmār آوانویسی و «حساب» ترجمه کرده است. با توجه به متن زند یسن‌ها، باید آن چه را در خط āmārag است به čārag\* تصحیح و عبارت دینکرد را چنین ترجمه کرد:

ud wēnēm tō ān ī garzišn gōwišn ī u-t سسوا\* (čārag) xwāhēm.

و می‌بینم سخن شکایت تو را و چاره کار تو می‌خواهم.

**11. Av:** aṭ yūš daēuuā vīspāṅhō akāt manāṅhō stā ciθrēm (32/3)

اما شما، ای همه دیوان، از تخمه اندیشه بد هستید...

**Warštmanšar:** ...ēdōn ašmā harwisp az (𐬨) dēw hēd ā-tān az akōman-iz [ast] tōhmag ku-tān tōhmag az ānōh ku akōman ud waran-iz... (Madan, 1911: 836)

... شما همه از دیوانید و نژاد شما از اکومن است - یعنی که از آنجا آمده‌اید که اکومن و ورن... (تفضلی، ۱۳۹۷: ۱۸۲).

**Phl:** ēdōn ašmā harwisp kē dēw hēd ā-tān az akōman ast tōhmag [ku-tān tōhmag az ānōh ku akōman-iz] (Dhabhar, 1949: 148).

و شما همه، که دیو هستید، تخمه‌تان از اکومن است [یعنی تخمه‌تان از آنجاست که «تخمه» اکومن نیز].

𐬨 در ورشتمانسنسک با در نظر گرفتن متن زند و اصل عبارت اوستایی باید به 𐬨 تصحیح و چنین ترجمه شود:

...ēdōn ašmā harwisp \*kē dēw hēd ā-tān az akōman-iz [ast] tōhmag ku-tān tōhmag az ānōh ku akōman ud waran-iz...

... و شما همه که دیو هستید تخمه‌تان از اکومن است، یعنی تخمه‌تان از آنجاست که اکومن و ورن نیز...

**12. Av:** kē huuāpā xvafnōmcā dāt zaēmācā

kē yā ušā arēm.piθβā xšapācā (44/5)

کدام صانع مقرر کرد هر دو را، خواب و بیداری را؟ چه کسی (است او) که از او سپیده‌دم و ظهر و شب (به وجود آمده است)؟

**Warštmānsar:** pas az (𐭮) dād xwē ud zēnāwandīh u-m pas dād rōz ud šab u-m pas dād uš [ud] \*rabiḥwin (Madan, 1911: 852).

پس از آفریدن خواب و بیداری، روز و شب را و سپس سپیده‌دم و ظهر را آفریدم (تفضلی، ۱۳۹۷: ۲۲۲).

**Phl:** kē pad huayābagīh<sup>۱</sup> xwē dād ud zēnāwandīh [tuxšāgīh]. kē uš rapihwin šab [ušahin rapihwin ud zamānag ī šab kē dād] (Dhabhar, 1949: 187)

چه کسی با توانایی، خواب را آفرید و بیداری را [کوشایی را]؟ چه کسی سپیده‌دم <و> ربهون <و> شب را [آفرید]؟ [اوشهن <و> ربهون و زمان شب را چه کسی آفرید؟]

با توجه به متن زند و اصل عبارت اوستایی باید 𐭮 در متن ورشتمانسنسک را به 𐭮<sup>\*</sup> تصحیح کرد. در این صورت ترجمه درست عبارت دینکرد چنین خواهد بود:

pas \*kē dād xwē ud zēnāwandīh u-m pas dād rōz ud šab u-m pas dād uš [ud] \*rabiḥwin.

پس چه کسی خواب و بیداری را آفرید؟ پس من روز و شب را آفریدم و پس من سپیده‌دم [و] ربهون را آفریدم.

**13. Av:** aṭ īš vohū hēm.aibī.mōist manaḡhā (46/12).

پس او به آن‌ها می‌پیوندد همراه با بهمن.

**Warštmānsar:** ham awēšān abar pad wahman 𐭮𐭮𐭮 (menēnd) zardušt (Madan, 1911: 859).

ای زردشت، ایشان همچنین به بهمن می‌اندیشند (تفضلی، ۱۳۹۷: ۲۳۹).

**Phl:** ēdōn awēšān ham pad wahman mānēnd [pad frārōnīh] (Dhabhar, 1949: 204).

و ایشان هم با بهمن می‌مانند [با نیکوکاری].

در زند یسن‌ها mānēnd صورت هزوارشی دارد (𐭮𐭮𐭮). در ورشتمانسنسک ظاهراً به دلیل خطای کتابت به جای صورت غیر هزوارشی mānēnd، صورت menēnd آمده است. با توجه به متن زند باید عبارت ورشتمانسنسک را تصحیح کرد. تفضلی همان menēnd را که در خط آمده، ترجمه کرده است. با تصحیح عبارت ورشتمانسنسک ترجمه چنین خواهد بود:

ham awēšān abar pad wahman \*mānēnd zardušt.<sup>۲</sup>

هم ایشان با بهمن می‌مانند، ای زردشت.

**14. Av:** yē mōi ašāṭ haiṭīm hacā varəšaitī zaraḡuštrāi hiiṭ vasnā fəraṣō.təməm (46/19)

<sup>۱</sup> huuāpah در یسن‌های ۱۰/۱۰، ۵/۶۲ و ۱۰/۷۱ به xwābar به معنای «بخشنده» برگردانده شده است و فقط در این فقره از

یسن چهل و چهار به huayābagīh ترجمه شده و حاصل معنی آن همان «توانایی» است.

<sup>۲</sup> نکته جالب توجه این که همین عبارت از دینکرد نهم عیناً در دینکرد هفتم تکرار شده و mānēnd به درستی با همان صورت هزوارشی زند آمده است:

ham awēšān abar pad wahman mānēnd zardušt (Madan, 1911: 653).

abar...māndan به معنای «افامت گزیدن، ساکن شدن» در ترجمه پهلوی فرگرد اول و ندیداد فقره یکم شاهد دارد:

gyāg <ud> rōstāg har dō hamgenīh ast kē ēdōn gōwēd ku gyāg ān gyāg ku mardōm abar nē mānēnd ud rōstāg ān gyāg ku abar mānēnd (Sanjana, 1895: 2).

جا <و> روستا هر دو یکسان هستند. کسی هست که چنین می‌گوید که جا آنجایی است که مردم <در آن> ساکن نمی‌شوند و روستا جایی است که <در آن> ساکن می‌شوند.

او که، به واسطه‌اش، برای من محقق خواهد کرد، برای زردشت، (آنچه را) که درخشان‌ترین است در خواست (من).

**Warštmānsar:** ēn-iz ku ān kē pad ahlāyīh **𐬯𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀** az kardan ā-š pad kirbag kard dahišn wēh bawēd (Madan, 1911: 860).

این نیز که آن کسی که با اهرایی... چنین کسی به علت انجام کار نیک سزاوار پاداش نیک است (تفضلی، ۱۳۹۷: ۲۴۲).

**Phl:** kē ān ī man ahlāyīh āškārag az ān warzēd ī ō zardušt [nimūd ēstēd] kē-š kāmāg frāztom [ku-š **𐬯𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀**] **abāyist wēš** ku kardan] (Dhabhar, 1949: 206).

کسی به اهلائی من آشکارا عمل کند از (= مطابق با) آن چه به زردشت [نموده شده است]، که میل او بالاتر است [یعنی خواسته‌اش بیش از کردارش است].

آن چه در متن ورشتمانسنسک به خط پهلوی آمده بخشی از زند یسن‌ها می‌باشد که در قالب تفسیر آمده است. تفضلی (۱۳۹۷: ۲۴۱) آن را با علامت سؤال آورده و ناخوانده باقی گذاشته و ترجمه نکرده است. با تصحیح عبارت در متن ورشتمانسنسک ترجمه چنین خواهد بود:

ēn-iz ku ān kē pad ahlāyīh **𐬯𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀** \***abāyist wēš** az kardan ā-š pad kirbag kard dahišn wēh bawēd

این نیز <گفته‌اند> که آن که اراده‌ش به اهلائی بیش از به فعل در آوردن آن است، به کار نیک کردن او را پاداشی بهتر خواهد بود.

#### ۴. نتیجه‌گیری

مواردی که نقل شد تنها نمونه‌هایی از تصحیح متن دینکرد نهم با کمک زند یسن‌ها است. بی‌تردید زند یسن‌های گاهانی ابزاری بسیار مهم برای خوانش برخی لغات و عبارات دینکرد نهم است و تأثیر زیادی در فهم ما از آن دارد. دینکرد نهم و خاصه ورشتمانسنسک، که یکی از نسک‌هایی است که خلاصه‌ آن در دینکرد نهم آمده است و بیش‌ترین قرابت را از جهت جملات و عبارات با زند موجود یسن‌ها دارد، همچنان باید بازخوانی شود و با رجوع به زند یسن‌ها در خواندن لغات و عبارات آن و ترجمه‌ آن لغات و عبارات تجدید نظر گردد. در واقع باید گفت تکیه بر زند در بررسی‌های لغوی و خوانش لغات نه تنها در دینکرد نهم، بلکه در تمام آثار پهلوی که اساس مطالب آن‌ها بر زند است و از زند در تدوین آن‌ها استفاده شده، بدون شک مفید و اثربخش است؛ این متون با استفاده از ترجمه‌ها و تفسیرهای اوستا قابل اصلاح و تصحیح هستند. تصحیح و تجدید نظر در خواندن این متون بر پایه‌ زند یسن‌ها فهم ما از ترجمه‌ این آثار را گاه دگرگون می‌کند.

#### منابع

تفضلی، احمد. (۱۳۹۷). تصحیح و ترجمه‌ سوتگرنسک و ورشتمانسنسک از دینکرد ۹. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

قائم‌مقامی، سیداحمدرضا (۱۳۹۲). دو یادداشت لغوی: «باز یا باز» و «کردار». فرهنگ‌نویسی. ۷. صص. ۲۰۲-۲۱۳.

Bartholomae, C. (1904). *Altiranisches Wörterbuch*. Berlin: Walter de Gruyter.

Dhabhar, B. N. (1949). *Pahlavi Yasna and Visperad*. Bombay: Shahnammah Press.

- Humbach, H. (1991). *The Gāthās of Zarathushtra and the other old Avestan texts*, I-II. Heidelberg: Winter.
- Insler, S. (1975). *The Gathas of Zarathushtra*. Leiden: Brill.
- Kellens, J. (1998). Considération sur l'histoire de l'avesta. *Journal Asiatique* 286(2), pp. 451-519.
- Kellens, J. & E. Pirart (1988). *Les textes Vieil-Avestiques*. Vol. I. Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert.
- Madan, D. M. (1911). *The complete text of the Pahlavi Dinkard*. Bombay.
- Malandra, W. & P. Ichaporia (2013). *The Pahlavi Yasna of the Gāthā and Yasna Haptanḥāiti*. Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert.
- Molé, M. (1963). *Culte, mythe et cosmologie dans l'Iran ancien: Le problème zoroastrien et la tradition mazdéene*. Paris: Presses universitaires de France.
- Sanjana, D. P. (1895). *The Zand ī javīt shēda dād. The Pahlavi Version of the Avesta Vendidad*. Bombay: Education Society's Steam Press.
- Schwartz, M. (2003). Gathic Compositional History, Yasna 29, and Bovine Symbolism. *Paitimāna, Essays in Iranian, Indo-European, and Indian Studies in Honor of Hanns-peter Schmidt*. pp. 195-249. Mazda publishers.